

به زندگی، احوال و آثار یکی از خیال‌ورزترین شاعران ادبیات فارسی  
حکیم نظامی گنجوی نگاهی انداخته‌ایم

## نیمای قرن ششم



زینب مرتضایی فرد

نویسنده

آدم‌یازد در قرن ششم هجری می‌توانسته خیلی راحت‌تر زندگی کند، مدح شاهان را بنویسد و روزگار را به شادی و شادخواری بگذراند اما آدم‌های بزرگ اهل انجام دادن کارهای راحت نیستند، آن‌قدر دنیا را فهمیده‌اند که فریب این مسیرهای ساده را نخورند و ترجیح دهند نان مختصرتری بخورند و آفت‌های بلندتری را تماشا کنند. جناب آقای نظامی پیشوای داستان‌سرایی در ادب فارسی که روز پنجشنبه ۲۱ اسفند در تقویم رسمی کشورمان به بزرگداشت او اختصاص دارد، یکی از همین آدم‌هاست.

آن زمان تاریخ تولد و چگونگی گذران اتفاقات معمولی زندگی آدم‌ها مهم نبوده، آدم‌ها خودشان را جزء کوچکی از جهان می‌دیدند که اهمیت خاصی نداشته چه کسی هستند و چه می‌کنند، به همین دلیل هم از زندگی بزرگان ادبیات و هنر ایران چیز زیادی نمی‌دانیم. هر چند همین که اینها را کسی ننوشته و به ما نرسانده، حکایت از کم‌اهمیت بودنشان دارد اما می‌شود ماجرا را طور دیگری هم نگاه کرد و گفت جهان به مرور زمان زواید را می‌شوید و آنچه اصیل و ارزشمند است را حفظ می‌کند و به ما می‌رساند، یعنی اثر آدم‌ها حرف می‌زند نه خودشان... بگذریم و برویم سراغ این‌که ببینیم از زندگی آقای نظامی چه چیزهایی می‌دانیم.

### ماندگاری میان تاریخ‌های نامعلوم

نمی‌دانیم چه سال و ماه و روزی به دنیا آمده، می‌گویند بین سال‌های ۵۳۰ تا ۵۴۰ هجری قمری. نام کاملش هم حسابی طولانی است؛ حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید. متولد گنجه یکی از شهرهای باستانی ایران بزرگ که حالا و به واسطه حکام از خدا بی‌خبر دوره قاجاریه جزو خاک جمهوری آذربایجان است.

در کودکی پدر و مادرش را از دست داده و سال‌ها تنهایی زندگی کرده، از گنجه هم بیرون نرفته و ترجیح داده در زادگاهش بماند. یک خوره کتاب واقعی بوده و آن‌قدر خوانده و تحقیق و تفکر کرده که شده حکیم. ضمن این‌که زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و پهلوی را هم در حد تسلط کامل بلد بوده است. علوم ادبی، نجوم، علوم اسلامی، فقه، کلام و زبان عرب را در حدی می‌دانسته که به او عنوان حکیم را اطلاق کرده‌اند، لقب و عنوانی که کمتر کسی در جایگاهی قرار می‌گیرد که لایق قرار گرفتن آن کنار نامش باشد.

کلام آدم مهربان و اهل تعاملی بوده، با همه توانایی و استادی‌اش مصداق همان عبارت معروف درخت هر چه بارش بیشتر، سرش پایین‌تر بوده است. آن‌قدر که حتی با خاقانی بزرگ هم که به نظر می‌رسد مدعی و کج خلق است، رفاقت نزدیک داشته و پس از مرگش در رئای او شعری نوشته است.

حالا کنار این همه خوبی حضرت والا نظامی بیفزایید که با همسرانش هم بسیار مهربان بوده و برایشان شعرهای لطیف می‌سروده. نه دیگر... زود قضاوت نکنید، او هم‌زمان چند همسر نداشته، ماجرا این است که نظامی سه بار ازدواج کرده و هر بار پس از مرگ همسرانش. اولین همسر او آفاق عشق بی‌چون و چرایش بوده، زنی را یکی از امرا برایش به تحفه می‌فرستد که همین آفاق خانم بوده، نظامی چنان عاشقش می‌شود که با او ازدواج می‌کند و مثنوی خسرو و شیرین را متأثر از دوران خوش زندگی با او می‌نویسد. اما آفاق خیلی زود می‌میرد و این بدشانسی نظامی دو بار تکرار می‌شود.

جناب حکیم به همسران خود احساسات لطیف و علاقه و محبتی خاص داشت. این امر را می‌توان در مثنوی‌های عاشقانه او و مضامین دقیق و خیالات باریک او یافت. نظامی مرگ شیرین، قهرمان داستان و مظهر یک زن خوب را، که در آغاز جوانی و بهار زندگی با آن همه زیبایی و دلبری رخت از جهان کشید و در زیر خاک پنهان شد، شبیه مرگ «آفاق» معشوق و محبوب جوانمرگ خود می‌داند، و چنین می‌آورد:

در این افسانه شرط است اشک راندن / گلابی تلخ بر شیرین فشاندن / بحکم آنکه آن کم زندگانی / چو گل بر باد شد روز جوانی / سبکرو چون بت قیچاق من بود / گمان افتاد خود کآفاق من بود...

در زمان نظامی خرافات و اعتقاد به سعد نحس بودن کواکب وجود داشت. چون نظامی خود دارای فکر بلند بوده و در علوم عقلی و نقلی تبحر داشت، برخلاف مردم آن زمان که عموماً معتقد به تأثیر نجوم و سعد و نحس کواکب و ایام هفته و ماه بودند با کمال صراحت و شجاعت عقیده علمی خود را که مخالف عقاید عمومی آن زمان بود بیان می‌کند و می‌گوید ستارگان نیز خود مخلوق واجب‌الوجود هستند و هیچ‌گونه تأثیری در سرنوشت و آینده فرزندان آدم ندارند. جالب است که تاریخ دقیق مرگ نظامی را هم درست مثل تولدش نمی‌دانیم و گفته می‌شود بین سال‌های ۶۷ تا ۶۱۲ درگذشته و مقبره‌اش در گنجه قرار دارد.



### نماینده شعر غنایی فارسی

اگر قرار باشد از شاعران پیشین پارسی‌گو، بلندترین قله‌ها را تا قرن نهم برشماریم، باید دست‌کم پنج نفر را نام ببریم. در کنار فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ، یکی از آنها نظامی است و نمی‌توان او را کنار گذاشت. محققانی مانند دکتر زرین‌کوب و دکتر غلامحسین یوسفی، شعر نظامی را ممتاز دانسته‌اند و مایکل بری، محقق و شرق‌شناس که متن کامل هفت پیکر نظامی را از فارسی به زبان فرانسه برگردانده، نظامی را با دانته و شکسپیر مقایسه کرده است.

به اعتقاد بیشتر پژوهشگران و نظامی پژوهان از جمله دکتر سعید حمیدیان، همچنان که فردوسی در سرودن داستان‌های حماسی برترین چهره است، نظامی نیز در عرصه شعر غنایی برترین نماینده در تاریخ زبان و ادب فارسی است. حالا بر اینها بیفزایید مورد دیگری را، بسیاری او را در نوآوری و افزودن مضامین خیال‌انگیز به شعر فارسی در زمان خودش چهره‌ای مهم دانسته و او نیمای روزگار خویش خوانده‌اند. به اعتقاد بیشتر محققان و پژوهشگران آثار نظامی، اشعار به یادگار مانده از وی را نباید تنها از جنبه فنون شعر و هنر داستان‌سرایی بررسی کرد. چرا که او توانسته است در قالب داستان و با زبانی خاص خود تمام آرا و نظریه‌های مختلف حکمی را بیان کند و در واقع با بیان این

### نظامی‌های پس از نظامی

تحولاتی که او در ساختار و زبان شعر فارسی به وجود آورده است برهیچ پژوهشگر و اندیشمندی پوشیده نیست. نظامی در شعر و شاعری برای مضمون آفرینی و ارائه تعبیرهای بی‌سابقه اهمیت ویژه‌ای قائل است که همین امر تعمق و دقت بیشتر شاعر در جهان پیرامون را طلب می‌کند.

توصیف‌های او بسیار طبیعی، ملموس و روان است. او اغلب موضوعات مختلف را با دقت و باریک‌بینی فوق‌العاده به تصویر کشیده است. قدرت نظامی در صحنه‌پردازی اغلب اعجاب‌انگیز و مایه حیرت است. شخصیت‌بخشی به پدیده‌های هستی و اجسام بدون روح

